

نقش واسطه‌ای بخشش در رابطه بین اسنادهای رابطه‌ای و کیفیت زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر

The Mediating Role of Forgiveness in the Relationship Between Relational Attributions and Marital Quality of Women Facing Spouse's Infidelity

Tahereh Shiri, PhD student

Mohsen Rasouli, PhD[✉]

Kianoush Zahraei, PhD

Esmail Asadpour, PhD

طاہرہ شیریں^۱

محسن رسولی^۲

کیانوش زہراکار^۱

اسماعیل اسدپور^۱

Abstract

The aim of the present study was the mediating role of forgiveness in the relationship between relational attributions and marital quality of women facing spouse's infidelity. The research method was correlation and structural equations. The statistical population of the current study includes all women who were faced with breaking the contract of their husbands in the city of Tehran, who were living with their husbands in 2024 in this city and did not get divorced and had access to the internet, among them 300 people available sampling methods were selected. To collect data, Bradbur et al. marital quality scale, Ray et al. forgiveness questionnaire, and Fincham and Bradbury's relational attribution scale were used. To check the validity of the scales, confirmatory factor analysis was used, and Cronbach's alpha coefficient was used for reliability, and the results indicated that the validity and reliability were favorable. Descriptive statistics, Pearson's correlation coefficient and structural equation test were also used to analyze the data. The findings showed that relational attributions have a significant effect on forgiveness. Forgiveness also has a significant effect on marital quality. Relational attributions also have a significant effect on marital quality. Examining indirect relationships also showed that forgiveness plays a mediating role in the relationship between relational attributions and marital quality of women faced with breaking the contract. In general, it can be concluded that relational attributions and forgiveness are two of the main factors for the antecedents of marital quality.

Keywords: Forgiveness, Relational Attribution, Marital Quality, Infidelity.

چکیده

هدف پژوهش حاضر نقش واسطه‌ای بخشش در رابطه بین اسنادهای رابطه‌ای و کیفیت زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر بود. روش پژوهش از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر در شهر تهران که در سال ۱۴۰۲ مشغول به زندگی با همسر خود بوده‌اند و طلاق نگرفته‌اند و به اینترنت دسترسی داشتند، بود. از این میان تعداد ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس‌های کیفیت زناشویی برادبور و همکاران، بخشش ری و همکاران و اسنادهای رابطه‌ای فینچام و برادبری استفاده شد. برای بررسی روایی مقیاس‌ها از تحلیل عامل تأییدی و برای اعتبار نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج حاکی از مطلوب بودن روایی و اعتبار بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و آزمون معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد، اسناد رابطه‌ای تأثیر معناداری بر بخشش دارد. بخشش نیز دارای تأثیر معنادار بر کیفیت زناشویی است. اسناد رابطه‌ای نیز تأثیر معناداری بر کیفیت زناشویی دارد. بررسی روابط غیرمستقیم نیز نشان داد که بخشش در رابطه بین اسناد رابطه‌ای و کیفیت زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر نقش واسطه‌ای دارد. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اسناد رابطه‌ای و بخشش دو مورد از عوامل اصلی برای پیشایندهای کیفیت زناشویی هستند.

واژه‌های کلیدی: بخشش، اسناد رابطه‌ای، کیفیت زناشویی، پیمان‌شکنی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۲۰ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

۱. گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، ایران.

۲. گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، ایران. (نویسنده مسئول)

● مقدمه

ازدواج سالم نه تنها نتیجه یک رابطه سالم است بلکه خود بر بهبود رابطه سالم و سلامت روانی (mental health) افراد خانواده تأثیرگذار است. عوامل متعددی را به عنوان نشانگان موفقیت یک ازدواج ذکر کرده‌اند اما می‌توان با بیانی دقیق، ازدواج موفق را در گرو کیفیت رابطه زناشویی (marital relationship quality) یا زوجین در نظر گرفت. کیفیت رابطه زناشویی شاخصی است که سالم بودن یا نبودن روابط زناشویی را نشان می‌دهد و با سلامت روانی و جسمانی افراد رابطه دارد (پارکر - پاپ، ۲۰۱۰؛ به نقل از کاوه فارسانی و همکاران، ۱۴۰۲). کیفیت رابطه زناشویی همچنین به ارزیابی کلی فرد از رابطه زناشویی و سلامت خود اشاره دارد که اغلب به عنوان شاخصی از رضایت زناشویی در نظر گرفته می‌شود و نقش مهمی در تبیین کیفیت کلی ارتباط در خانواده دارد (صادق و همکاران، ۲۰۲۲). کیفیت زناشویی دربرگیرنده ابعاد گوناگون روابط زوجین مانند سازگاری، رضایت، شادی، انسجام و تعهد است (گلدرفاب و ترودل، ۲۰۱۹). کیفیت زندگی زناشویی (quality of marital life) منعکس کننده ارزیابی کلی فرد از رابطه زناشویی است (کامومو و همکاران، ۲۰۲۱). کیفیت رابطه زناشویی را به عنوان اصلاح "ارزیابی ذهنی رابطه" که منجر به عملکرد سازنده و موفقیت در ازدواج می‌شود، تعریف می‌کنند (رید، ۲۰۲۲). از این رو، عوامل متعددی می‌توانند بر ارتقاء یا کاهش کیفیت این رابطه تأثیر بگذارند. از دیدگاه رویکرد روانی اجتماعی، عوامل اثرگذار بر این مسئله را می‌توان شامل عوامل فردی و اجتماعی دانست. در بعد بین فردی می‌توان گفت که اسناد رابطه‌ای (relational attribution) زوجین در زندگی مشترک یکی از عوامل بسیار مهم است و اسنادهای رابطه از عوامل مهم تأثیرگذار بر کیفیت روابط و رضایت زناشویی است (هیو و همکاران، ۲۰۱۵). به طور کلی ما مایل هستیم علل زیربنایی رفتار خود و دیگران را بفهمیم تا دریابیم که چرا خود یا دیگران تحت شرایطی خاص به شیوه‌های مشخص و معین عمل می‌کنیم، این فرایند را اسنادهای ارتباطی گویند (گاتمن، ۱۹۹۸).

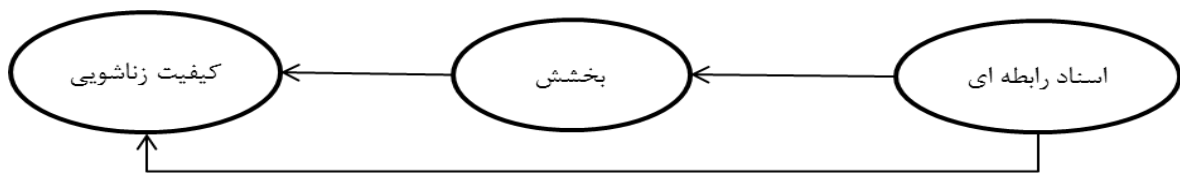
اسنادهای ارتباطی به طور کلی شامل دو نوع اصلی اسنادهای علی (causal attributions) و اسنادهای مسئولیت (responsibility attributions) هستند. اسنادهای علی بر جایگاه اسناد (درونی - بیرونی)، پایداری و ثبات و کلی یا جهان شمول بودن تأکید دارد. افرادی که اتفاقات را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند، به احتمال بیشتری دست از تلاش برمی‌دارند، همچنین هرچه فرد اتفاق پیش آمده را پایدارتر و باثبات‌تر بداند و آن را به کل زندگی نسبت دهد و احساس کند کنترلی بر آن ندارد، دچار ناامیدی و در نهایت افت انگیزه و درماندگی خواهد شد. لذا چنانچه زانی که با پیمان‌شکنی همسر مواجه شده‌اند، اتفاق پیش آمده را با ثبات بدانند و فکر کنند که این اتفاق در دفعات بعد نیز ممکن است اتفاق بیفتد و کنترلی بر آن ندارد، به احتمال بیشتری دچار آشفتگی و در نهایت بر هم خوردن کیفیت رابطه زناشویی می‌شوند. همچنین، هرچه فرد علت اتفاق پیش آمده را به عوامل بیرونی همچون رفتار همسر خویش نسبت دهد و تصور کند خود نقشی در بروز آن ندارد، نه تنها عملی برای بهبود زندگی زناشویی خویش انجام نمی‌دهد بلکه منجر به کاهش کیفیت رابطه زناشویی آنان می‌گردد. بر عکس، چنانچه فرد پیمان‌شکنی پیش آمده را به صورت درونی، بی‌ثبات، اختصاصی و کنترل‌پذیر اسناد دهد، نه تنها دچار برافروختگی شدید و درماندگی نمی‌شود بلکه به احتمال زیاد می‌تواند به مدیریت اتفاق پیش آمده و افزایش و یا حداقل بهبود کیفیت رابطه زناشویی خویش کمک نماید. در سوی مقابل، اسنادهای مسئولیت بر عمدی و آگاهانه بودن رفتار، خودخواهی همسر خاطی و سرزنش تأکید دارد (توتارل - کیسلاک و کاسوقلو، ۲۰۰۶). بررسی پیشینه پژوهشی (از جمله؛ کاوه فارسانی، ۱۴۰۰؛ شهبازی و همکاران، ۱۳۹۶؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴؛ عسکری و همکاران، ۱۳۸۹) نشان دهنده آن است که اسنادهای رابطه‌ای تأثیری معنادار بر بهبود کیفیت رابطه زناشویی زوجین دارند.

علاوه بر آنچه بیان شد، کیفیت رابطه زناشویی زنان مواجهه با پیمان‌شکنی همسر اگر به صورت مطلوبی بررسی نشود و گاهی نیز با بخشش‌هایی عقلانی همراه نباشد، شاید بتواند پیامدی مخرب‌تر در پی داشته باشد. بخشش (forgiveness) به معنای چشم‌پوشی و یا نادیده گرفتن شدت رنجش و همچنین به حداقل رساندن مسئولیت فرد خاطی نیست (وب و همکاران، ۲۰۱۲)، بلکه بخشش یعنی رهایی عمدی از رنج ناشی از بی‌عدالتی قابل ملاحظه فرد خاطی و پاسخ خیرخواهانه به وی؛ اگرچه فرد خاطی مستحق بخشیده شدن نباشد (انزیت و همکاران، ۱۹۹۱). لذا بخشش یک فرآیند آگاهانه، منطقی، تعمدی و درونی است که توسط قربانی، صرف نظر از مجرم، انجام می‌شود. ظرفیت طلب بخشش و بخشش تا حد زیادی بر طول عمر روابط زناشویی و رضایت تجربه شده در روابط زناشویی

تأثیر می‌گذارند (فدل، ۱۹۹۳؛ به نقل از طهماسبی و خرم‌آبادی، ۱۴۰۳). بر طبق این مفهوم از بخشش، زنانی که با پیمان‌شکنی همسر مواجهه شده‌اند به جای تکیه بر رنجش درونی و یا حتی چشم‌پوشی سطحی از پیمان‌شکنی همسر، می‌توانند عواطف منفی حاصل از اتفاق پیش آمده را کاهش دهند و با تأکید بر عواطف مثبت، آسیب به خود را به حداقل برسانند، در جهت سلامت رابطه بکوشند و همسر خویش را با بخشش به سمت افزایش کیفیت رابطه زناشویی‌شان پیش ببرند. در واقع، بخشش به فرد کمک می‌کند که درباره همسر خطاکار خویش به طریق وسیع‌تری فکر کند، همدلی و شفقت را نسبت به وی افزایش دهد (انزایت و فیتس‌گیبونز، ۲۰۰۰) و با وجود آنکه فرد خطاکار است، با اعتماد به نفس بالا و هیجانات مثبت بالا اقدام به بخشش کند (لاولر و همکاران، ۲۰۰۵)، به گونه‌ای که احساس می‌کند دارد هدیه‌ای را می‌بخشد، نه اینکه از روی اجبار، ترس و منفعلانه این کار را انجام دهد. این موارد باعث می‌شوند به زنان مواجهه با پیمان‌شکنی همسر آمادگی برای تفسیر دقیق‌تر موقعیت را بدهد، هیجانات منفی را کاهش دهد، از ارزیابی سطحی جلوگیری کند و احتمال ارزیابی مجدد را افزایش دهد و در نتیجه اقدام به عمل فکری نماید و بخشش را انجام دهد که در نتیجه می‌تواند به افزایش کیفیت رابطه زناشویی آنان منجر گردد. همچنین پرهیز از سبک اسناد بدبینانه (اسناد رویدادهای منفی به عوامل درونی که افسردگی را در پی دارد) و اسناد خوش‌بینانه (که عبارت است از اسناد رویدادهای مثبت به عوامل درونی که شادی را در پی دارد) باعث می‌گردد فرد به احتمال بیشتری دست به بخشش زده و با افزایش احتمال بخشش، کیفیت رابطه زناشویی زوجین افزایش می‌یابد (سلیگمن، ۲۰۰۸) و در صورت بروز مشکل و مسئله و یا رفتار منفی از سوی همسر، زنان به احتمال بالایی دست به بخشش زدند و در نهایت، این امر باعث افزایش کیفیت رابطه زناشویی می‌گردد. پیشینه پژوهشی نیز حاکی از آن است که رابطه معناداری بین بخشش با کیفیت رابطه زناشویی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های ری و اکستریمر (۲۰۱۶)، چانگ (۲۰۱۶)، شلدون و همکاران (۲۰۱۴)، فینچام و بیچ (۲۰۰۷)، پالیاری و همکاران (۲۰۰۵)، کاوه فارسانی (۱۴۰۰)، احمدی اردکانی و فاطمی عقدا (۱۳۹۸)، رضاپور میرصالح و همکاران (۱۳۹۷)، نادری و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد.

هرچند میزان شیوع مشکلات زناشویی در تحقیقات مختلف شاید خیلی بالا عنوان نشده باشد، اما کیفیت زناشویی زوجین در تحقیقات مختلف در سطح مطلوبی گزارش نشده است (بلاچ و همکاران، ۲۰۱۴) که این امر اهمیت پیشگیری، آموزش و درمان مشکلات و تعارضات زناشویی و به شکل ویژه‌تر، افزایش کیفیت رابطه زناشویی را به وضوح نشان می‌دهد. از این رو، بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت رابطه زناشویی از اهمیت بالایی برخوردار است. در همین راستا، آمار از روند افزایشی تعارضات زناشویی و طلاق حکایت دارد و بر اساس آمارها، نسبت طلاق به ازدواج از ۱۲/۵ در سال ۱۳۸۸ به ۷۷/۳۱ در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته که نشانه بدتر شدن این شاخص‌ها در کشور است (بالاگیری و السادات حسینی، ۱۳۹۸). همچنین، طبق آمار رسمی کشور، در شش ماهه اول سال ۱۴۰۱ آمار طلاق ۳۱/۰۳ بوده است (سایت مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). با توجه به آمار بالای طلاق، یکی از مهم‌ترین دلایل طلاق و همچنین خشونت خانگی، پیمان‌شکنی است که منجر به تشدید تعارضات زوجین و آسیب‌های جدی بر فرزندان در زمینه‌های روانی، جسمی و تحصیلی می‌شود (شقاقی و همکاران، ۱۴۰۰). این آمارها از آنجا نگران‌کننده‌تر می‌شوند که تعارضات زناشویی، کاهش روابط بین زوجین و طلاق عاطفی در کشور آمار بی‌بسیار و نگران‌کننده‌تر از آمارهای رسمی طلاق دارند که این موارد ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زناشویی زنان مواجهه با پیمان‌شکنی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

از آنجا که برخی مدل‌ها به بررسی نقش واسطه‌ای برای برقراری ارتباط بین متغیرها می‌پردازند، بخشش به جهت اینکه سازه‌ای است که از یک سو از نگرش‌ها، عواطف و هیجانات نشأت می‌گیرد و از سوی دیگر، سازه‌ای است که توانایی تبیین رفتار افراد را دارد، لذا در این پژوهش به عنوان متغیر واسطه‌ای انتخاب شده است. علی‌رغم ارتباط نظری و پژوهشی بین متغیرهای پژوهش، تاکنون پژوهشی به بررسی ارتباط این متغیرهای در قالب یک مدل علی نپرداخته است. در برخی پژوهش‌ها، بخشش به عنوان یک سازه کارآمد به عنوان واسطه بین شناخت اجتماعی (نشخوار فکری و همدلی عاطفی همسر آسیب‌دیده) با کیفیت زناشویی مورد بررسی قرار گرفته که نتایج حاکی از معنادار بودن نقش واسطه‌ای این سازه دارد (پالیاری و همکاران، ۲۰۰۵). لذا پژوهش حاضر درصدد است به بررسی رابطه اسناد رابطه‌ای با کیفیت رابطه زناشویی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای بخشش بپردازد. لذا هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا بخشش نقش واسطه‌گری در رابطه بین اسناد رابطه‌ای با کیفیت زناشویی زنان مواجهه با پیمان‌شکنی همسر دارد؟



شکل ۱. مدل فرضی پژوهش

• روش

پژوهش حاضر از همبستگی بود که در آن روابط علی بین متغیرها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر در شهر تهران بودند که در سال ۱۴۰۲ در این شهر مشغول به زندگی با همسر خود بوده‌اند و طلاق نگرفته‌اند و به اینترنت دسترسی داشتند. ویژگی‌های افراد، حداقل ۶ ماه از پیمان‌شکنی همسر گذشته باشد و تمایل به تکمیل پرسشنامه‌ها داشته باشند. شرکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۳۰۰ نفر از زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر در شهر تهران بودند که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس، به‌عنوان نمونه در این پژوهش شرکت داده شدند. به این ترتیب که از مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شهر تهران در زمینه مشاوره خانواده فعالیت دارند خواسته شد تا مراجعانی که با سابقه پیمان‌شکنی همسر به مرکز مراجعه می‌کنند را جهت شرکت در پژوهش حاضر معرفی نمایند. همچنین از افراد معرفی شده نیز خواسته می‌شد که اگر افراد دیگری با داشتن سابقه پیمان‌شکنی همسر را می‌شناسند نیز جهت شرکت در پژوهش معرفی نمایند. پس از ارائه توضیحات مناسب، پرسشنامه‌ها به‌صورت مجازی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. معیار ورود به پژوهش زنان پیمان‌شکن که مطلقه نباشند و ۶ ماه از پیمان‌شکنی آنها گذشته باشد و معیار خروج نیز تحویل ندادن یا ناقص بودن پرسشنامه بود. پس از جمع‌آوری اطلاعات، ۸ آزمودنی که به‌صورت ناقص تکمیل کرده بودند کنار گذاشته شدند و در تحلیل مورد استفاده قرار نگرفتند و تحلیل از روی ۲۹۲ آزمودنی باقیمانده صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم‌افزارهای SPSS-20 و AMOS انجام گرفت.

• ابزارها

الف) مقیاس کیفیت زناشویی (Quality of Marital Scale- QMS): این پرسشنامه توسط برادبور و همکاران (۲۰۰۰) به‌عنوان ابزاری مناسب برای ارزیابی کیفیت زناشویی طراحی شد. این پرسشنامه ۱۴ ماده‌ای به‌صورت طیف ۶ تایی (۱= همیشه اختلاف داریم تا ۶= توافق دائم داریم) نمره‌گذاری می‌شود و سه خرده‌مقیاس توافق، رضایت و انسجام را می‌سنجد. پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ در مطالعه هولیست و میلر (۲۰۰۵) برای سه خرده‌مقیاس توافق، رضایت، انسجام به‌ترتیب از ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۹۰ گزارش شده است. یوسفی (۱۳۹۰) در پژوهشی اعتبار این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر جهت روایی این ابزار، روش تحلیل عاملی تأییدی مورد استفاده قرار گرفت که دامنه بار عاملی ماده‌ها از ۰/۴۱ تا ۰/۸۰ بودند که همه بارهای عاملی نیز در سطح $P < 0/01$ معنادار بودند. همچنین جهت بررسی اعتبار مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شده که برای مؤلفه‌های توافق، رضایت و انسجام به‌ترتیب ضرایب ۰/۸۸، ۰/۹۱ و ۰/۸۷ به‌دست آمد.

ب) مقیاس بخشش (Forgiveness Scale- FS): پرسشنامه بخشش توسط ری و همکاران (۲۰۰۱) و با هدف سنجش میزان بخشش افراد ساخته شده است که از ۱۵ ماده در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و ۲ خرده‌مقیاس فقدان احساس منفی و وجود احساس مثبت را می‌سنجد. ری و همکاران (۲۰۰۱)، اعتبار این مقیاس را بر اساس آلفای کرونباخ برای فقدان احساس منفی، وجود احساس مثبت و کل پرسشنامه به‌ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۵ و ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. در پژوهشی مسعودی و اسمخانی اکبری‌نژاد (۱۴۰۳) اعتبار این مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به‌دست آورده‌اند. در پژوهش حاضر جهت روایی این ابزار، روش تحلیل عاملی تأییدی مورد استفاده قرار گرفت که به‌جز ماده‌های ۲ و ۷ بقیه ماده‌ها دارای بار عاملی در دامنه ۰/۳۸ تا ۰/۸۱ بودند که همه بارهای عاملی نیز در سطح $P < 0/01$ معنادار بودند. همچنین جهت بررسی اعتبار مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شده که برای مؤلفه‌های فقدان احساس منفی و وجود احساس مثبت به‌ترتیب ضرایب ۰/۸۶ و ۰/۸۹ به‌دست آمد.

ج) مقیاس اسنادهای رابطه‌ای (relationship attribution scale- RAS): این مقیاس توسط فینچام و برادبری (۱۹۹۲) تدوین شد و دارای ۲۴ ماده در طیف لیکرت ۶ درجه‌ای (۱= کاملاً مخالف تا ۶= کاملاً مخالف) و دارای دو بعد اسنادهای علی و اسنادهای مسئولیت است. فینچام و برادبری (۱۹۹۲) اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در بعد اسنادهای علی و اسنادهای مسئولیت ۰/۸۲ و ۰/۷۸ برای مردان و ۰/۸۴ و ۰/۸۵ برای زنان گزارش کرده‌اند. ذولفقاری (۱۳۷۸) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۹۰ و نیلفروشان (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۹۳ گزارش کرد. در پژوهش حاضر جهت روایی این ابزار، روش تحلیل عاملی تأییدی مورد استفاده قرار گرفت که دامنه بار عاملی ماده‌ها از ۰/۳۵ تا ۰/۸۳ بودند که همه بارهای عاملی نیز در سطح $P < 0.01$ معنادار بودند؛ بنابراین، مقیاس فوق از روایی مطلوبی برخوردار است. همچنین جهت بررسی اعتبار مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شده که برای اسناد علی، اسناد مسئولیت و نمره کل اسناد به ترتیب ضرایب ۰/۸۷، ۰/۹۱ و ۰/۹۴ به دست آمد.

• یافته‌ها

به منظور بررسی اطلاعات توصیفی، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات، کجی و کشیدگی شرکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل در جدول ۱ آمده است.

جدول شماره ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	نمره حداقل	نمره حداکثر	کجی	کشیدگی
کیفیت زناشویی	۴۹/۰۷	۱۱/۸۱	۱۷	۸۳	۰/۰۳	۰/۴۷
اسناد رابطه‌ای	۸۷/۵۴	۱۹/۵۴	۳۷	۱۴۳	۰/۵۲	۰/۴۱
بخشش	۳۹/۷۳	۸/۰۶	۱۶	۶۱	-۰/۳۶	-۰/۱۶

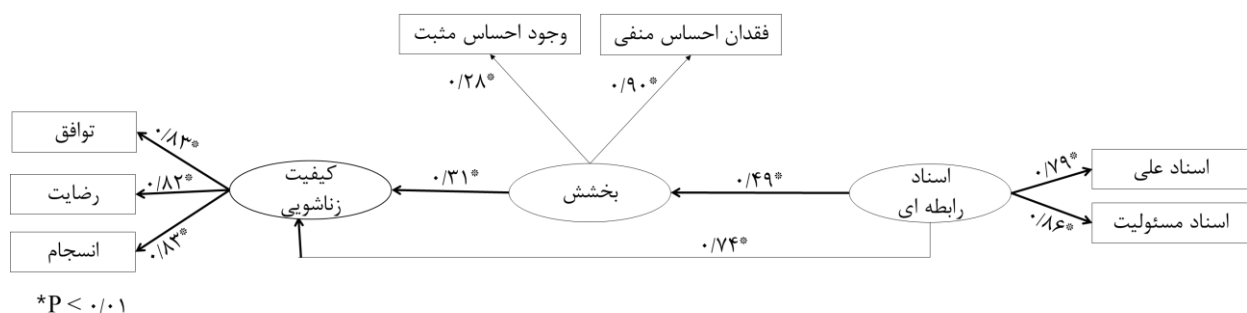
به عنوان پیش نیاز انجام تحلیل‌های معادلات ساختاری و همچنین به منظور ارائه تصویر روشن‌تری از ارتباط میان متغیرهای پژوهش و پیش از پرداختن به فرضیه‌های پژوهش، ماتریس همبستگی بین متغیرها بررسی شد که نتایج در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
۱. کیفیت زناشویی	-		
۲. اسناد رابطه‌ای	۰/۴۶**	-	
۳. بخشش	۰/۱۱*	۰/۵۱**	-

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

مقادیر شاخص‌های برازندگی مدل اصلاح شده پژوهش، یعنی شاخص‌های مجذور خی نسبی ($X^2/df=1/72$)، شاخص نیکویی برازش ($GFI=0/99$)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده ($AGFI=0/97$)، شاخص برازندگی افزایشی ($IFI=0/99$)، شاخص برازندگی تطبیقی ($CFI=0/98$) و شاخص جذر میانگین مجذورات خطای تقریب ($RMSEA=0/03$) حاکی از برازش مطلوب مدل است. نمودار شماره ۲ مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.



* $P < 0.01$

شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل نهایی پژوهش

جدول ۳ ضرایب مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مدل پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین اسناد رابطه‌ای و بخشش ($\beta = ۰/۷۴$, $P = ۰/۰۰۷$)، بخشش و کیفیت زناشویی ($\beta = ۰/۳۱$, $P = ۰/۰۰۵$) و اسناد رابطه‌ای بر کیفیت زناشویی ($\beta = ۰/۴۹$, $P = ۰/۰۰۷$) رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. بررسی روابط غیرمستقیم نشان می‌دهد که بخشش در رابطه بین اسناد رابطه‌ای و کیفیت زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر نقش واسطه‌ای دارد.

جدول ۳. اثرات مستقیم کل متغیرهای پژوهش

مسیر	اثر مستقیم		اثر غیرمستقیم		اثر کل	
	β	P	β	P	B	P
اسناد رابطه‌ای بر بخشش	۰/۷۴	۰/۰۰۷	۰/۱۵	۰/۰۰۵	۰/۸۹	۰/۰۰۵
بخشش بر کیفیت زناشویی	۰/۳۱	۰/۰۰۵	-	-	۰/۳۱	۰/۰۰۵
اسناد رابطه‌ای بر کیفیت زناشویی	۰/۴۹	۰/۰۰۷	-	-	۰/۴۹	۰/۰۰۵

• بحث

پژوهش حاضر درصدد بود تا به بررسی و تبیین کیفیت زناشویی بر اساس اسناد رابطه‌ای بپردازد و به دلیل اهمیت مؤلفه‌های اخلاقی در رابطه با زنان مواجهه با پیمان‌شکنی همسر، بخشش به‌عنوان واسطه انتخاب گردید و سعی شد تا نقش واسطه‌گری آن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که اسنادهای رابطه‌ای تأثیر معناداری بر کیفیت زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر داشت. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های کاوه فارسانی، ۱۴۰۰؛ شهبازی و همکاران، ۱۳۹۶؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴؛ عسکری و همکاران، ۱۳۸۹ همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که تعاملات رفتاری مداوم بین اعضای خانواده می‌تواند بر اسناد و انتظارات فرد تأثیر بگذارد، مدل او تأکید می‌کند که شناخت بر احساسات تأثیر می‌گذارد و بر جهت‌گیری علی رفتار تأثیر می‌گذارد. دورتی در ارتباط با نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است که اسنادها و انتظارات مورد استفاده در الگوی او هم می‌توانند در موقعیت‌های خاص وجود داشته باشند و هم به‌عنوان مجموعه‌های شناختی تعلیم یافته در نظر گرفته شوند. فرد بر اساس تجربیاتی که در گذشته در روابط زناشویی خود به‌دست آورده است، اسناد و مدارک و انتظارات مفیدی را برای خود ایجاد می‌کند، مثلاً این انتظار را دارد که این اختلافات جدی و مزمن زناشویی حل نشدنی باشد، هرچند در بحث‌ها به این موضوع اشاره نشده است. به‌طور مستقیم، اما اعتقاد بر این است که چنین شناخت‌های تربیت شده‌ای ریشه در تجربیات فرد دارد که از روابط گذشته فرد سرچشمه می‌گیرد یا در طول زمان و از روابط موجود او به‌دست آمده است. این شناخت‌ها به‌عنوان سبک شناخته می‌شوند؛ و روش‌های خاصی که افراد در موقعیت‌های تعارض به‌کار می‌برند در نظر گرفته می‌شود (کیمز و همکاران، ۲۰۱۵). این تعاملات می‌توانند سطح کیفیت زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار دهند. چرا که کیفیت زناشویی نشان‌دهنده نزدیکی و هم‌خوانی عملکرد زوجین در فعالیت‌ها و امور روزمره زندگی یا حوزه‌های عملی مشترک زن و شوهر (مانند نحوه برخورد با معدل پایین فرزند) است. از نظر گریف و برون (۲۰۰۰) زوج‌های سازگار، زن و شوهرهایی هستند که با یکدیگر توافق دارند و زمان و امور مالی خود را به‌خوبی مدیریت می‌کنند. یک ازدواج موفق و رضایت‌بخش مستلزم سطح پایداری از سازگاری زوجین است. سازگاری زناشویی را می‌توان به‌عنوان یک سیستم خانواده و حتی بخشی از نیروهای نگهدارنده و احیاگر خانواده در نظر گرفت (گولدفارب و ترودل، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، اسنادهای رابطه‌ای سازگارانه می‌توانند با ایجاد زمینه مطلوب در ذهن و ابراز رفتار معقول در عمل، زمینه را برای افزایش کیفیت زناشویی زوجین رقم بزنند.

نتایج همچنین نشان داد که بخشش تأثیر معناداری بر کیفیت زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر داشت. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های ری و اکستریمر (۲۰۱۶)، چانگ (۲۰۱۶)، شلدون و همکاران (۲۰۱۴)، فینچام و بس (۲۰۰۷)، پالیاری و همکاران (۲۰۰۵)، کاوه فارسانی (۱۴۰۰)، احمدی اردکانی و فاطمی عقدا (۱۳۹۸)، رضاپور میرصالح و همکاران (۱۳۹۷)، نادری و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که بخشش، مانند عشق، خود را به‌عنوان یک عمل ارادی نشان می‌دهد و یکی از طرفین یا هر دو انتخاب می‌کنند تا از آسیب‌دیدن خودداری کنند.

در مراحل بخشش، فرد آسیب دیده آگاه می‌شود که در گذشته زمان‌هایی هم بوده که به‌عنوان فرد آسیب‌رسان عمل کرده است. به

دلیل مؤلفه رفتاری بخشش، از آسیب وارده عذرخواهی می‌کند و استغفار و بخشش می‌کند و سعی می‌کند با عمل اشتباه را جبران کند. اعمال، نمادین یا غیر آن، شامل تمایل به ایجاد تغییرات رفتاری لازم و برداشتن گام‌هایی برای ایجاد روابط جدید است. این شامل ایجاد تغییرات موقعیتی برای کاهش احتمال تکرار یا اشتباه و ایجاد سیستم‌های حمایتی برای رفتارهای جدید است (واثقی، ۱۳۹۹). از این رو، بخشش می‌تواند باعث افزایش گذشت از خطاهای همدیگر در زندگی زوجین شود. کیفیت زناشویی تابعی از سه نوع متغیر است: منابع فردی و اجتماعی قبل از ازدواج که همسران برای خانواده به ارمغان می‌آورند، رضایت آنها از سبک زندگی و پاداش یا تقویتی که از تعاملات زناشویی خود دریافت می‌کنند. هرچه کیفیت ازدواج بالاتر باشد، ازدواج پایدارتر است. ثبات یعنی اینکه ازدواج کامل است یا خیر. آنها همچنین اظهار داشتند که کیفیت پایین زناشویی نبود اثبات را افزایش می‌دهد؛ زیرا احساس ناراحتی یا نارضایتی از ازدواج معمولاً افکار و رفتارهای مرتبط با طلاق را افزایش می‌دهد (گولدفارب و همکاران، ۲۰۱۹).

نتایج نیز نشان داد که اسنادهای رابطه‌ای تأثیر معناداری بر بخشش در زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر داشت. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش بارتولوموس و استرلان (۲۰۱۶) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که اسنادهای ارتباطی با زناشویی به‌طور کلی شامل دو نوع اصلی اسنادهای "علی" و اسنادهای مسئولیت بوده که هر کدام به ابعاد کوچک‌تری تقسیم می‌شوند: اسنادهای علی شامل ابعاد درونی بیرونی، پایدار- ناپایدار و عمومی- اختصاصی هستند و در استنباط وقایع و جهت‌دادن به رفتار اهمیت دارند. بُعد درونی بیرونی با عوامل درونی از قبیل تلاش، توانایی خلق‌و‌خو، شخصیت، خودپنداره و یا عوامل بیرونی از قبیل دشواری تکلیف، شانس و موقعیت‌های پرفشار مرتبط است و بُعد پایدار- ناپایدار با استنباط فرد از میزان ثبات هر کدام از عوامل مذکور ارتباط دارد. بُعد عمومی اختصاصی نیز به میزان تعمیم‌دهی رفتار به موقعیت‌هایی فراتر از یک موقعیت خاص اشاره دارد (والاک و سیلا، ۲۰۰۸). در سوی دیگر، بخشش اصیل شامل مجموعه‌ای از بازسازی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری از وقایع پیرامون لغزش‌ها و شکست‌های رابطه و همچنین روابطی است که پیرامون آن رویدادها رخ می‌دهد. بخشش واقعی دارای مؤلفه‌های متعددی است، مانند مؤلفه‌های شناختی، مؤلفه‌های رفتاری، بخشش خود، استغفار، پذیرش بخشش، عشق، جبران، درک واقعیت و بخشش دیگران. ویژگی‌هایی چون غیرمشروط بودن و ارائه‌شدن بدون داشتن انتظار پاسخ از طرف مقابل معطوف بودن به فرد و نوع‌دوستانه بودن و انجام شدن به‌خاطر وجود شخص دیگر احتساب به‌عنوان بخشی از فرایند رشد و تحول نبود کاربرد برای اجتناب از عواطف منفی دردناک نسبت به اشخاص دیگر، فرایندی و تدریجی بودن، از جمله ویژگی‌های بخشش اصیل محسوب گردند (بایومان، ۲۰۲۱). از این رو، اسنادهای علی منطقی زمینه را برای جبران از سمت طرفیت باز گذاشته و امکان گذشت از خطاها را ایجاد می‌کند چرا که می‌توان برخی از خطاهای افراد را به سایر عوامل موقعیتی نسبت داد و احتمال بخشش را در بین زوجین افزایش داد.

نتایج نشان از نقش واسطه‌ای بخشش در بین اسنادهای رابطه‌ای و کیفیت زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر داشت. از آنجا که تاکنون پژوهشی به بررسی این سه متغیر در قالب یک مدل علی نپرداخته است، لذا امکان مقایسه این نتیجه با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های پیشین میسر نبود. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که مؤلفه‌های مهم اسناد عبارت‌اند از: توضیحات شخص در مورد علل موفقیت و شکست، درونی یا شخصی در مقابل بیرونی یا موقعیتی، ویژگی‌های ابعاد این تبیین‌ها یا استنتاج‌های علی- پایدار در مقابل ناپایدار و درنهایت، واکنش‌های احساسی ناشی از این استنباط‌ها در تعیین رفتار بعدی (قابل کنترل در مقابل غیرقابل کنترل). طبق نظر واینر (۱۹۸۹)، مکان درونی یا بیرونی اسناد عاطفی مرتبط با عزت‌نفس که همراه با عملکرد ما است تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افراد بعد از موفقیت احساس غرور می‌کنند و بعد از شکست احساس شرمندگی می‌کنند و وقتی این موفقیت را به عوامل درونی مانند استعداد و تلاش خود نسبت می‌دهند، احساس غرور می‌دهند، احساس غرور می‌کنند. همچنین وقتی شکست خود را به عوامل بیرونی (ویژگی‌های کار یا شانس) نسبت می‌دهند، احساس شرمندگی می‌کنند. بلکه این ثبات اسنادی است که انتظارات آینده را زمانی تعیین می‌کند که افراد وضعیت و شکست خود را به عواملی نسبت می‌دهند که لحظه به لحظه تغییر نمی‌کنند، چه درونی (استعداد) و چه بیرونی (عوامل مرتبط با وظیفه)، انتظارات خود را با توجه به عملکرد خود افزایش یا کاهش دهند و هنگامی که همان بازگشت را به عوامل ناپایدار (شانس یا تلاش) نسبت می‌دهند، انتظارات آنها برای عملکرد آینده به‌نسبت بدون تغییر باقی می‌ماند. طبق موارد فوق، اسنادها می‌توانند رفتار مطلوب از سوی فرد همچون بخشش را مشخص کنند. همچنین، بین بخشش و دو جنبه سلامت روانی، از جمله رضایت از زندگی و تجربه عواطف و احساسات مثبت نسبت به دیگران، ارتباط معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، بخشش با ایجاد و تجربه احساسات مثبت نسبت به

طرف مقابل که ناشی از بخشش اشتباهات و خطاهای این فرد است، علی‌رغم اشتباهات و شکست‌هایی که در روابط رخ داده است، حفظ روابط متقابل و ایجاد روابط پایدار و حمایتی را ممکن می‌سازد، در نتیجه، طرف مقابل احتمالاً به عنوان یک منبع حمایتی برای شما در آینده عمل خواهد کرد (استوکل، ۲۰۲۳). این موارد باعث افزایش احتمال تلاش زوجین برای رشد کیفیت زناشویی خود می‌شود. چرا که کیفیت زندگی زناشویی یک فرآیند ایستا نیست، بلکه پویا است و با روابط بین زوجین تعیین می‌شود. همچنین کیفیت زندگی مرفه‌تر، شادی در رابطه، ازدواج مطلوب و رضایت‌بخش، ثبات و پایداری طولانی‌مدت ازدواج به‌طور کلی نشان‌دهنده موفقیت در زندگی زناشویی است (گولدفارب و ترودل، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، وجود نقش واسطه‌گری معنادار بخشش در بین اسنادهای رابطه‌ای و کیفیت زناشویی منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسد.

• نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان بیان داشت که اسنادهای ارتباطی با ایجاد شرایط ذهنی مناسب جهت آمادگی روان‌شناختی در پاسخ به اتفاقات زندگی مشترک، می‌تواند احتمال بخشش را در زندگی زوجین افزایش دهند و بخشش نیز به نوبه خود می‌تواند با ایجاد زمینه مناسب برای جبران اعمال اشتباه و خطاهای طرفین، باعث افزایش کیفیت زناشویی زوجین شود. هرچند پژوهش حاضر نتایج جالب توجهی را در زمینه نقش واسطه‌گری بخشش در رابطه بین اسناد رابطه‌ای با کیفیت زناشویی در زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر نشان داد، اما در انجام این پژوهش محدودیت‌هایی وجود دارد از جمله اینکه، طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و استنباط علی از نتایج آن باید با احتیاط صورت گیرد، شرکت‌کنندگان پژوهش صرفاً زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر بوده‌اند و در تعمیم به جمعیت‌های دیگر باید جانب احتیاط را رعایت کرد. همچنین اطلاعات جمع‌آوری شده در پژوهش حاضر از مقیاس‌های خودگزارشی به‌دست آمده که این اندازه‌گیری‌ها ممکن است توسط مطلوبیت اجتماعی و سوگیری مشارکت‌کنندگان تحت تأثیر قرار گرفته باشند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود از ابزارها و روش‌هایی استفاده شود که مبنای رفتارهای واقعی‌تری از افراد باشد. دوم، با توجه به اینکه گروه نمونه فقط از زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر انتخاب شده بودند، پیشنهاد می‌شود این پژوهش برای گروه‌های دیگر انجام شود.

• تعارض منافع

انجام این پژوهش و امتیازات علمی و پژوهشی حاصل از آن با منافع مادی و معنوی هیچ فرد، گروه و نهادی در تعارض نیست.

• تشکر و قدردانی

در پایان از دست‌اندرکارانی که در جهت اجرای مطلوب این پژوهش همکاری کردند، به ویژه مراکز مشاوره شهر تهران، نمونه پژوهش و تمام افرادی که ما را در اجرای این پژوهش یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی صورت می‌گیرد.

• منابع

- احمدی اردکانی، زهرا و فاطمی عقدا، نسرين. (۱۳۹۸). رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری بخشش و همدلی: بررسی یک مدل. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۲(۶)، ۲۵-۱۵.
- بالاگیری محدثه، السادات حسینی سعیده. (۱۳۹۸). ارائه الگوهای پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*. ۴ (۳۶): ۲۹-۵۳.
- رضاپور میرصالح، یاسر. فتوحی اردکانی، زهرا و علیخانی، مهدیه. (۱۳۹۷). ارتباط همدلی و بخشودگی با رضایت زناشویی در بین زوجین در شهرستان یزد. *همایش ملی روان‌شناسی و سلامت با محوریت خانواده و زندگی سالم*. شیراز.
- شقایق، فاطمه. آقاییوسفی، علیرضا. میرزاحسینی، حسن. (۱۴۰۰). تدوین الگوی ساختاری کیفیت خانواده اصلی و گرایش به پیمان‌شکنی بین همسران با میانجی‌گری تمایز‌یافتگی خود. *مجله علوم روان‌شناختی*. ۲۰ (۱۰۸): ۲۳۲۷-۲۳۴۲.
- شهبازی، مسعود، کرابی، امین و کیانی جم، ناهید. (۱۳۹۶). استانداردهای زناشویی و اسنادهای ارتباطی به‌عنوان پیش‌بین‌های سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان. *روانشناسی خانواده*، ۴(۲)، ۲۹-۴۲.
- طهماسبی، حسین و خرم‌آبادی، یداله (۱۴۰۳). بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی توافق‌پذیری، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی بر رضایت زناشویی

در زنان متأهل. *مجله روانشناسی*. ۱۰۹، ۲۸ (۱)، ۱۱-۱.

کاوه فارسانی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۹). ارزیابی مدل رابطه عذرخواهی و کیفیت روابط زناشویی با میانجی‌گری همدلی زناشویی و بخشش عاطفی. *نشریه مشاوره کاربردی*، ۱۰ (۲)، ۷۲-۵۱.

کاوه فارسانی، ذبیح‌الله؛ نظری‌فر، محسن و محمود نجف‌آبادی، فاطمه (۱۴۰۲). ارزیابی الگوی رابطه بین ذهن آگاهی و کیفیت رابطه زناشویی با میانجی‌گری باورهای لذت‌بری و قدردانی. *مجله روانشناسی*، ۱۰۵، ۲۷ (۱)، ۹-۱.

مسعودی، زهرا و اسمخانی اکبری نژاد، هادی (۱۴۰۳). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر بخشش و صمیمیت جنسی زنان آسیب دیده از خیانت زناشویی. *مجله روانشناسی*، ۱۱۰، ۲۸ (۲)، ۱۷۰-۱۶۲.

نادری، لیلا، مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان بر اساس همدلی و بخشودن. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۶ (۴ (پیاپی ۶۲))، ۶۹-۷۵.

واتقی، بهروز. (۱۳۹۹). *دزد جام زرین: مهارت‌های آموزشی: کنترل رفتار و احترام به تصمیم جمعی، بخشش و چشم‌پوشی از اشتباه دیگران*. انتشارات ابو عطا.

یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDAS). *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱ (۲)، ۲۰۰-۱۸۳.

Baumann, K. (2021). Gerechtigkeit und Wahrheit–Vergebung und Versöhnung: einige caritaswissenschaftliche Überlegungen und Perspektiven. *Baumann K., Bendel R., Maruhukiro D. (Hg.), Gerechtigkeit, Wahrheitsfindung, Vergebung und Versöhnung, Ansätze zur Friedenspolitik in Nachkriegsgebiete. Berlin: Lit, 19-28.*

Bloch, L., Haase, C. M., & Levenson, R. W. (2014). Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion, 14*(1), 130.

Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of marriage and family, 62*(4), 964-980.

Chang, E. S. (2016). Kirogi Women's Psychological Well-Being the Relative Contributions of Marital Quality, Mother-Child Relationship Quality, and Youth's Educational Adjustment. *Journal of Family*. pp.133-152.

Enright, R. D., & Fitzgibbons, R. P. (2000). *Helping clients forgive: An empirical guide for resolving anger and restoring hope*. American Psychological Association.

Enright, R. D., Eastin, D. L., Golden, S., Sarinopoulos, I., & Freedman, S. (1991). Interpersonal forgiveness within the helping professions: An attempt to resolve differences of opinion. *Counseling and Values, 36*(2), 84-103.

Fincham, F. D., & Bradbury, T. N. (1992). Assessing attributions in marriage: the relationship attribution measure. *Journal of personality and social psychology, 62*(3), 457.

Fincham, F., & Beach, S. R. (2007). Forgiveness and marital quality: Precursor or consequence in well-established relationships? *The Journal of Positive Psychology, 2*(4), 260-268.

Goldfarb, M. R., & Trudel, G. (2019). Marital quality and depression: A review. *Marriage & Family Review, 55*(8), 737-763.

Gottman, J. M. (1998). Psychology and the study of marital processes. *Annual review of psychology, 49*(1), 169-197.

Greef, A., & Bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex and Marital Therapy, 26*(3), 21-34.

Hiew, D. N., Halford, W. K., Van de Vijver, F. J., & Liu, S. (2015). Relationship standards and satisfaction in Chinese, Western, and intercultural Chinese–Western couples in Australia. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 46*(5), 684-701.

Hollist, C. S., & Miller, R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations, 54*(1), 46-57.

Kimmes, J. G., Durtschi, J. A., Clifford, C. E., Knapp, D. J., & Fincham, F. D. (2015). The role of pessimistic attributions in the association between anxious attachment and relationship satisfaction. *Family Relations, 64*(4), 547-562.

Lawler, K. A., Younger, J. W., Piferi, R. L., Jobe, R. L., Edmondson, K. A., & Jones, W. H. (2005). The unique effects of forgiveness on health: An exploration of pathways. *Journal of behavioral medicine, 28*, 157-167.

Reid, N. S. (2022). *How Religious Homogamy Influences Marital Quality in Black Couples* (Doctoral dissertation, Northcentral University).

Rey, L., & Extremera, N. (2016). Agreeableness and interpersonal forgiveness in young adults: the moderating role of gender. *Terapia psicológica, 34*(2), 103-110.

Rye, M. S., Loiacono, D. M., Folck, C. D., Olszewski, B. T., Heim, T. A., & Madia, B. P. (2001). Evaluation of the psychometric properties of two forgiveness scales. *Current psychology, 20*, 260-277.

Sadiq, U., Rana, F., & Munir, M. (2022). Marital quality, self-compassion and psychological distress in women with primary infertility. *Sexuality and Disability, 1-11*.

Seligman, M. E. (2008). Positive health. *Applied psychology, 57*, 3-18.

Stöckle, T. (2023). Gesundheit: Über Erkrankung, Schuld und Vergebung. *entwurf, 2023*(1), 4-5.

Wallach, H. & Sela, T. (2008). The importance of male batter's attributions in understanding and preventing domestic violence. *Journal of family violence, 23*, 655-660.